

جهان چهارم ایرانی - سیمای «زیست حاشیه‌ای» و «مسائل شهری»

در همدان و برخی راه‌چاره‌ها

اسداله نقدی^۱ صادق زارع^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۳

چکیده

طی دهه‌های گذشته همدان رشد شهری گسترده‌ای را تجربه کرده است که منجر به پیدایش و افزایش حاشیه‌ها در اطراف این شهر شده است. در این مقاله با استفاده از پیمایش‌های میدانی محقق در نواحی حاشیه همدان در تابستان سال ۱۳۸۴ و پائیز ۱۳۸۷، داده‌های طرح توانمندسازی حاشیه‌نشینان، یافته‌های گزارش ارزیابی اجتماعی در طرح توسعه محلی، و نیز یافته‌های مطالعه جرائم زنان و جوانان در شهر همدان در سال ۱۳۸۹ سیمای حاشیه‌نشینی در شهر همدان مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و در نهایت برخی توصیه‌های سیاستی جهت اداره بهتر حاشیه‌ها بر مبنای یافته‌های فوق ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حاشیه‌نشینی، مهاجرت، زیست حاشیه‌ای، مسائل شهری، همدان

^۱ - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، naghdi@basu.ac.ir

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، s_zare63@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مساله

تحولات ناشی از ظهور جوامع مدرن که با رشد سریع شهرنشینی همراه بوده، منجر به ظهور الگوئی از شهری شدن در قالب پیدایش حاشیه‌ها گردیده است. سابقه حاشیه‌نشینی به درازای عمر خود شهرنشینی است و از زمان پیدایش و شکل‌گیری شهرها همواره تقسیم محلات و مناطق شهری به مرکز و پیرامون سبب می‌شد که کیفیت، سبک زندگی و استانداردهای مسکن در متن اصلی شهرها و مناطق برخوردار با نواحی حاشیه و به اصطلاح رایج امروزی «پائین شهر» از هم متمایز باشد. اما به دنبال انقلاب صنعتی بود که شکل جدید حاشیه‌نشینی پا به عرصه ظهور گذاشت و به پدیده‌ای کم و بیش فراگیر و جهانی تبدیل شد. بطوریکه بر اساس برآورد سازمان‌های بین‌المللی فعال در زمینه اسکان بشر، حدود یک میلیارد از جمعیت جهان اکنون در زاغه‌ها، حاشیه‌های شهری و یا سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند (نقدی، ۱۳۸۶، ص ۱) و پیش‌بینی می‌شود که در ۳۰ سال آینده تعداد حاشیه‌نشینان به ۲ میلیارد نفر برسد (UN، ۲۰۰۳). این روند و مسائل ناشی از آن سبب عطف توجه ویژه در سطح بین‌المللی به این معضل شده است. بطوریکه از ۱۹۹۱ برنامه اسکان بشر سازمان ملل^۱ شروع به تهیه پایگاه‌های داده درباره سکونتگاه‌های شهری کرده و از ۱۹۹۷ برنامه پایش جهانی شهری^۲ را برای مشخص کردن کلیدی‌ترین مسائل شهری جهان با تمرکز جدی بر اهداف هزاره^۳ که تامین سرپناه مناسب برای حاشیه‌نشینان از جمله این اهداف است، پدید آورده است (مارتینز^۴، ۲۰۰۸).

بنابراین برای ترسیم سهم واقعی مهاجرت‌ها در رشد شهرنشینی و بدنبال آن گسترش حاشیه‌نشینی در ایران کافی است تصور کنیم که تنها در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ در کل کشور، ۴۲۷۴۲۰۰۰ نفر از روستا یا شهر خود به مکان جدیدی مهاجرت کرده‌اند که تعداد ۶۶۵۷۱۶۹ نفر (تنها در فاصله ۵۵ تا ۸۵) از نقاط روستائی به شهرها وارد شده‌اند. همچنین یافته‌های آخرین سرشماری نشان می‌دهد که در فاصله ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بیش از ۱۲ میلیون نفر مهاجر در کشور ثبت شده است که ۲/۳ میلیون نفر از آنها مشخصاً مهاجر روستا- شهری بوده‌اند و این

^۱ - The United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT)

^۲ - Global Urban Observatory (GUO)

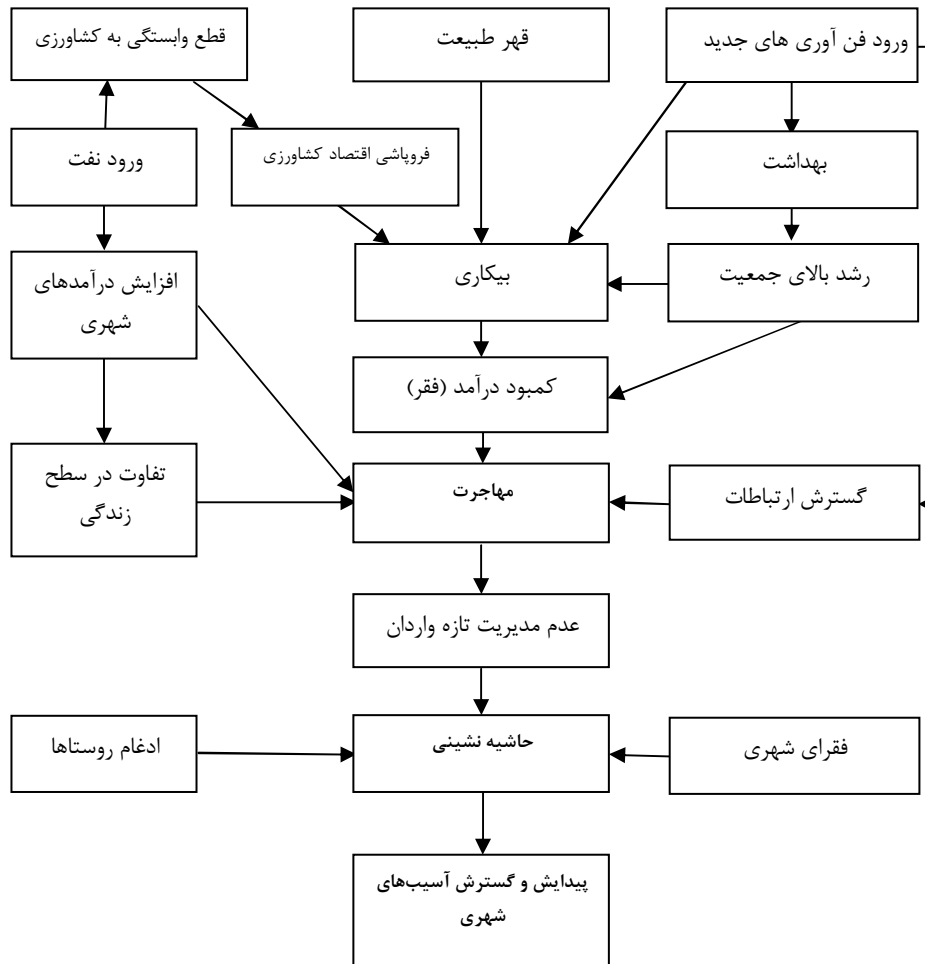
^۳ - Millennium Development Goals (MDG).

^۴ - Martinez

معرف نسبت چشم‌گیر مهاجرت در تحولات شهری ایران است^۱. مشابه روند شهری شدن در کل کشور، در همدان و سایر شهرهای این استان نیز در مقیاس کوچکتر این تحول سریع شهری طی دهه‌های گذشته رخ داده و همدان از یک شهر ۱۰۰ هزار نفری در سال ۱۳۳۵ به نیم میلیون نفر سکنه در سال ۱۳۸۵ رسیده است. حدود ۳۰ درصد از جمعیت شهر در حال حاضر در محلاتی که حاشیه تعریف می‌شوند سکونت دارند و برخی از این محلات نظیر دیزج (کوی ولی عصر) انبانی از مسائل اجتماعی از اعتیاد و خودکشی گرفته تا زنان کارگر جنسی را در خود جای داده است. بر اساس مطالعات محقق در بین جوانان شهر همدان بیشترین نسبت جرائم مربوط به جوانان نیز به محله خضر تعلق دارد که از محلات بزرگ حاشیه شهر همدان است. در تحقیق دیگری نیز ۳۰ درصد محل وقوع جرائم زنان مورد بررسی (بالاترین نسبت در بین یازده محله) در منطقه حاشیه خضر بوده است (جلیلی، ۱۳۸۹). علاوه بر مشکلات و مسائل فوق برخی دیگر از محلات مانند کوی نبوت نیز مشکلات کالبدی جدی دارد. البته حاشیه‌های شهر همدان در مقام مقایسه وضعیت بهتری از جعفرآباد کرمانشاه، ملاشیه اهواز و شیرآباد زاهدان دارد و در وضعیت بدتری نسبت به حاشیه‌نشینان رشت و ساری قرار دارد. در سایر شهرهای این استان نیز بیشترین تمرکز رشد شهری و حاشیه‌نشینی در شهرهای نهاوند و ملایر بوده است. این مقاله در ادامه به بررسی ویژگی‌های جمعیتی، مهاجرتی و تحولات شهرنشینی استان همدان، سیمای حاشیه‌نشینی شهر همدان، تاثیر گسترش حاشیه‌نشینی بر بحران‌های شهری و آسیب‌های اجتماعی خواهد پرداخت و در نهایت برخی پیشنهادها برای ساماندهی و توانمندسازی حاشیه‌نشینان و مناطق حاشیه همدان مطرح می‌کند. در مدل زیر فرایند شکل‌گیری حاشیه و نیز پیامدهای مهم این شیوه زیست شهری در ایران و همدان به اختصار به تصویر کشیده شده است:

^۱ - اما باید توجه داشت به علت مدل مهاجرت‌های روستا شهری (که بخشی از آن) بصورت پلکانی از روستا به شهر صورت می‌گیرد، رقم واقعی مهاجرت‌های روستا-شهری بیش از عدد فوق است، بعنوان نمونه تصور کنیم خانواری در سرشماری ۱۳۷۵ از یک روستا به شهر رزن (شهری در شمال استان همدان) مهاجرت کرده باشد و سپس در سرشماری بعدی ۱۳۸۵ از شهر رزن به همدان نقل مکان نماید. چنین موردی بعنوان مهاجر شهر به شهر تلقی خواهد شد در حالیکه اساساً چنین مهاجرتی باید به فهرست روستا شهری اضافه شود و در این صورت سهم واقعی مهاجرت‌های روستا شهری نمایان می‌شود.

مدل (۱) پیدایش و شکل گیری مهاجرت و حاشیه نشینی در ایران



۲- روش تحقیق:

در این مطالعه از تکنیک‌ها و روش‌های مختلفی برای بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی از جمله داده‌های پیمایش سنجش دیدگاه‌های حاشیه‌نشینان در فاصله سال‌های ۱۳۸۴، بررسی وضعیت کالبدی حاشیه‌های همدان ۱۳۸۷، مصاحبه با معتمدین و مردم، مشاهدات میدانی، مصاحبه با مسئولان شهرداری همدان در اردیبهشت ۱۳۸۹، مطالعه

آسیب‌های اجتماعی (جرائم زنان و جوانان) حاشیه‌های همدان در پائیز ۱۳۸۹، یافته‌های گزارش ارزیابی اجتماعی طرح توسعه محلی (مشترک ایران و بانک جهانی)، سند ملی توانمندسازی حاشیه‌ها، و نیز نتایج طرح توانمندسازی حاشیه‌نشینان همدان استفاده شده است. به عبارت دیگر در اینجا از روش تحلیل داده‌های ثانویه استفاده شده است.

۳- مهاجرت روستا-شهری و دلایل آن

امروزه در نظر محققان یکی از عوامل اصلی رشد سریع شهرنشینی، افزایش بی‌رویه مهاجرت از روستا به شهر است. جمعیت شهری ایران از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ حدود ۶ برابر شده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰، جمعیت شهرنشین کشور به ۸۰ درصد کل جمعیت افزایش یابد. این افزایش چشمگیر جمعیت شهرنشین تنها به دلیل زاد و ولد نیست، بلکه در نتیجه تحرک مکانی قسمت عمده‌ای از جمعیت مناطق روستایی است که به دلیل به هم خوردن اقتصاد روستایی به سوی شهرها هجوم می‌آورند (زاهد و آذرگون، ۱۳۸۷). بطور کلی صاحب‌نظران توسعه و محققان جمعیت در خصوص علل و انگیزه‌های مهاجرت به دو دسته متغیرهای اقتصادی و اجتماعی اشاره می‌کنند. هرچند می‌توان از متغیرهای اقلیمی و طبیعی مانند زلزله و خشکسالی و یا رانش‌های اجباری در قالب سیاسی نیز سخن گفت اما می‌توان همه این عوامل را به متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تقلیل داد زیرا عواملی چون خشکسالی در نقاط روستائی یا زلزله در مناطق شهری منجر به کاستی‌ها و مشکلات اقتصادی شده و در مرحله بعد موجب تصمیم به مهاجرت شود.

۳-۱- انگیزه‌ها و رانش‌های اقتصادی

یکی از علل و انگیزه‌های مهم در همه انواع مهاجرت‌ها (داخلی و بین‌المللی) متغیرهای اقتصادی مؤثر بر فرایند مهاجرت می‌باشد که در ذیل به مهمترین آنها اشاره خواهد شد:

- ۱- نبود یا کمبود درآمد: سطح درآمد پایین و فاصله شدید آن با متوسط درآمد جامعه شهری کشور، عامل مهم در مهاجرت روستائیان است (علیزاده و کازرونی، ۱۳۶۳، ص ۲۰). ۲-
- بیکاری و اشتغال: در مناطق روستایی سابقاً مرگ و میر اطفال زیاد بود اما با کاهش شدید میزان مرگ و میر، جمعیت روستاها به شدت افزایش یافت. این رشد جمعیت در حالی بود که روستا قادر به افزایش تولید نسبی خود نبوده و مقتضیات اقلیمی و اقتصادی روستا نیز امکان پذیرش

این جمعیت اضافی را نداشت. بنابراین مهاجرت تنها راه پیش روی روستائیان است (سبزیان، ۱۳۷۲: ۸۰). ۳- تحولات فن‌آوری و مکانیزه شدن: اشاعه خدمات بهداشتی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و نیز ورود تکنولوژیهای جدید و مکانیزه شدن کشاورزی از دیگر علل تشدید مهاجرت به نقاط شهری بوده است (نقدی ۱۳۸۲، ص ۱۲). ۴- گسترش و تسهیل شبکه‌های حمل و نقل: تحقیقات نشان می‌دهد هر چه فاصله روستا از مرکز شهرستان بیشتر باشد میزان مهاجرت از روستا بیشتر است. بعنوان نمونه در سال ۱۳۸۰ تنها ۴۰۹ روستا معادل ۳۶/۷ درصد روستاهای استان همدان از راه مناسب آسفالت بهره‌مند بوده‌اند و ۶۳/۳ درصدی که فاقد این امکان بوده‌اند، بیشترین مهاجرت را داشته‌اند (طرح جامع اقتصادی، اجتماعی استان همدان، ۱۳۸۰).

۲-۳- متغیرهای اجتماعی

در حالی که تحقیقات بسیاری بر اهمیت متغیرهای اقتصادی در تصمیم‌گیری به مهاجرت تأکید کرده‌اند برخی محققان نیز معتقدند که علل، انگیزه، مقصد، زمان و الگوهای مهاجرت از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی نیز متأثر می‌باشد. این محققان مهمترین متغیرهای اجتماعی مؤثر بر مهاجرت را به شرح ذیل برمی‌شمارند:

۱- گسترش ارتباطات: وسایلی از قبیل تلویزیون، تلفن و مدرسه به عنوان عوامل ارتباطی و آگاهی بخش در روستاها هستند که روستائیان از طریق آنها از آنچه در «جامعه شهری» می‌گذرد آگاه می‌شوند، آنگاه وضع خود را با آنچه در دنیای مدرن می‌گذرد، سنجیده و بیش از گذشته احساس عقب ماندگی می‌کنند. در نتیجه، واکنش طبیعی آنها به صورت مهاجرت بروز می‌کند (سبزیان: ۱۳۷۲، ص ۹۸). ۲- گسترش آموزش‌های همگانی: گسترش آموزش و پرورش همگانی و احداث مدارس در نقاط روستائی سبب ارتباط بیشتر با شهر و تحرک اجتماعی و جغرافیائی می‌شود (نقدی و صادقی، ۱۳۸۴). ۳- تفاوت در سطح زندگی: یکی از دلایل مهم تصمیم به مهاجرت در ایران تفاوت معنی دار در استاندارد و کیفیت زندگی در نقاط شهری و روستائی است و تا زمانی که این فاصله بسیار زیاد باشد باید منتظر موج‌های مهاجرتی بود. ۴- تاسیس نهادهای جدید در روستا: پس از شروع برنامه‌های توسعه و نوسازی در ایران از سال ۱۳۲۷ بخصوص پس از اصلاحات ارضی نهادهای جدید بسیاری در نقاط روستائی تاسیس شدند که این روند بعد از انقلاب نیز با تاسیس نهادهایی از جمله جهاد

سازندگی، نهضت سوادآموزی، شورای اسلامی، هیئت هفت نفره، تعاونی های تولید و مصرف، دهداری ها و ... ادامه یافت. عمده تاثیر این نهادها تغییر مناسبات اجتماعی و دگرگون سازی ساختار اجتماعی، اقتصادی روستاها بوده و گاهی زمینه ساز ارتباط بیشتر با شهر و در نتیجه تشویق به مهاجرت بوده‌اند. ۵- علاوه بر این گسترش خدمات اجتماعی بویژه برای جوانان نظیر سواد، اجباری شدن اعزام فرزندان ذکور به سربازی، ازدواج، شبکه های فامیلی و ... نیز باید در علل فوق منظور شود.

۴- ویژگی های جمعیتی و مهاجرتی استان همدان

۴-۱- تحولات جمعیتی همدان

موضوع تحولات جمعیتی استان همدان به اندازه ای متمایز و بحرانی است که در پنجمین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران و مرکز آمار ایران در اسفند ۱۳۸۸ بر آن تاکید ویژه گردید (فروغی و دیگران، ۱۳۸۸) و در نشست بعدی انجمن فوق با عنوان «هم اندیشی مسائل و چالش های جمعیتی ایران با تاکید بر مهاجرت در استان همدان» در اردیبهشت ۱۳۸۹ اغلب سخنرانان بر مهاجرفرستی شدید همدان و مهاجرت های داخلی در سطح این استان و نیز تحولات باروری و اشتغال و حاشیه نشینی تأکید مؤکدی داشته‌اند (زنجانی، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه با استنادات فوق، تحولات جمعیتی استان و شهر همدان طی دهه های گذشته بسیار چشم گیر بوده است. همانطور که در جدول (۱) ملاحظه می شود بر پایه داده های حاصل از نخستین سرشماری عمومی کشور، جمعیت شهر همدان در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۰۰ هزار نفر بود. در دوره ده ساله ۳۵ تا ۴۵، جمعیت این شهر ۳/۲۴ درصد افزایش و به حدود ۱۲۵ هزار نفر رسید. طی دهه های بعد روند افزایش در شمار جمعیت این شهر همچنان ادامه داشته، به طوری که جمعیت در سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ به ترتیب به ۱۶۶، ۲۷۲، ۴۰۱ هزار نفر رسید. البته قابل ذکر است که بیشترین افزایش مربوط به دوران بعد از انقلاب می باشد. به طوری که در فاصله سالهای ۷۵ - ۱۳۵۵، جمعیت شهر همدان با ۲/۵ برابر افزایش یعنی از ۱۶۵۷۸۵ نفر به ۴۰۱۲۸۱ نفر رسیده و در کل، این شهر در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ از یک شهر تقریباً ۱۰۰۰۰۰ نفری اکنون بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر را در خود جای داده و به باشگاه های کلان شهرهای کشور وارد شده است.

جدول (۱) روند تحولات جمعیت شهر همدان ۸۵ - ۱۳۳۵

سال سرشماری	جمعیت	درصد رشد
۱۳۳۵	۹۹۹۰۹	-
۱۳۴۵	۱۲۴۱۶۷	۲۴/۳
۱۳۵۵	۱۶۵۷۸۵	۳۳/۵
۱۳۶۵	۲۷۲۴۹۹	۶۴/۴
۱۳۷۵	۴۰۱۲۸۱	۴۷/۳
۱۳۸۵	۵۱۷۲۷۶	۲۸

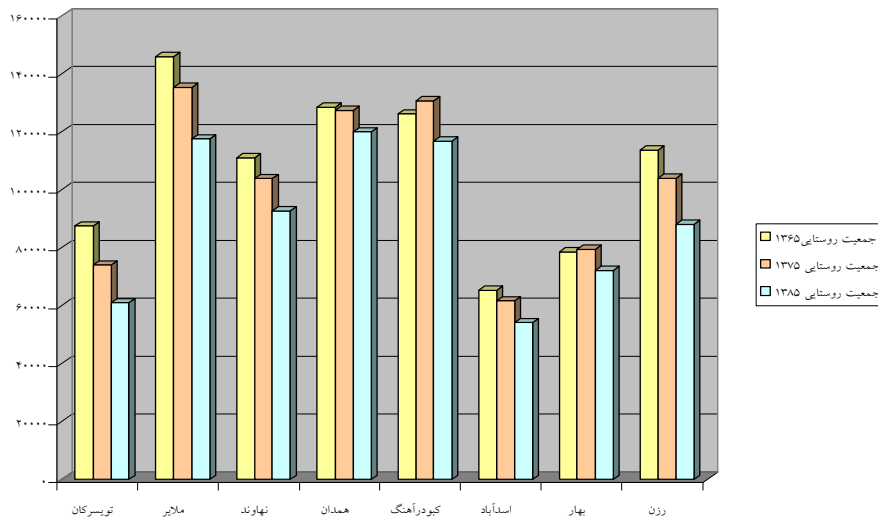
جمعیت شهر همدان در طول سرشماری‌های مختلف از آهنگ رشد یکسانی برخوردار نبوده است. بطوریکه بر اساس جدول (۲) بیشترین رشد آن در دوره ۶۵ - ۱۳۵۵ با ۵/۱ درصد ثبت شده که این افزایش رشد جمعیت در دوره مذکور ناشی از عوامل مختلفی است. از جمله این عوامل می‌توان به عدم تداوم سیاست کنترل مولید قبل از انقلاب، بروز شرایط جنگ تحمیلی، نیز به جهت الحاق برخی از روستاهای اطراف به محدوده شهری همدان و مهمتر از همه مهاجرت (به ویژه از روستاهای اطراف) به شهر همدان اشاره کرد که موجب گسترش و توسعه ناهمگون فیزیکی شهر همدان و رشد مناطق حاشیه‌نشین در این شهر شده است. در دوره بعدی یعنی ۷۵-۱۳۶۵ هر چند این میزان رشد تا حدودی فروکش کرده و به حدود ۳/۹ درصد رسیده است اما در صورت تداوم چنین میزان رشدی، جمعیت شهر همدان می‌توانست تنها در مدت زمان ۱۸ سال، دو برابر شود. طی دوره ۷۵-۱۳۶۵ بر اساس برآورد محقق، حدود ۷۴۰۰۰ نفر به شهر همدان مهاجرت کرده‌اند. در این صورت از ۳/۹ درصد رشد سالیانه جمعیت شهر همدان، ۱/۸ درصد ناشی از رشد طبیعی و ۲/۱ درصد ناشی از عامل مهاجرت بوده است. و نهایتاً به ۳/۲ رسیده است.

جدول (۲) نرخ رشد جمعیت شهر همدان ۱۳۸۵ - ۱۳۳۵

دوره	نرخ رشد (درصد)
۱۳۳۵ - ۴۵	۲/۲
۱۳۴۵ - ۵۵	۲/۹
۱۳۵۵ - ۶۵	۵/۱
۱۳۶۵ - ۷۵	۳/۹
۱۳۷۵ - ۸۵	۳/۲

یکی از نمادهای مهاجرفرستی شدید این استان، سهم جمعیتی استان از جمعیت کل کشور می باشد. طی دهه های اخیر همواره از سهم استان همدان از جمعیت کل کشور کاسته شده است. برای نمونه در ۱۳۶۵ استان همدان ۳/۰۳ جمعیت کشور را در خود جای داده که در دوره بعد ۱۳۷۵ با کاهش محسوسی به ۲/۷۹ و در آخرین مقطع ۱۳۸۵ به ۲/۴۲ می رسد که نشانگر خروج مستمر جمعیت از این استان می باشد: همدان یکی از استانهای کشور است که میزان مهاجرات به درون و به بیرون آن زیاد است. در این استان هم جابجایی جمعیت در درون استان از روستا به شهرها و همچنین مهاجرت از استان به استانهای دیگر به ویژه تهران زیاد است (معدفر، ۱۳۷۷). علاوه بر خروج جمعیت از استان، مشکل دیگری که استان همدان با آن روبروست، پدیده مهاجرت از روستا به شهر است. بطوریکه روند نسبت جمعیت روستائی استان طی سرشماری های مختلف رو به کاهش بوده است. اگرچه همدان دیرتر از کل کشور ترکیب جمعیت غالباً شهرنشین پیدا کرده است اما با این حال در این استان نیز همسو با جریان کلی کشور نرخ شهرنشینی رو به افزایش می باشد. همچنان که نمودار ذیل نشان می دهد از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ جمعیت روستایی این استان رو به کاهش گذاشته است که روی دیگر این سکه افزایش شهری ناشی از این جابجائی است که عموماً به شکل حاشیه نشینی ظاهر شده است.

نمودار (۱) روند کاهش نسبت روستا نشینی به تفکیک شهرها ۱۳۸۵-۱۳۶۵ (استان همدان)



بطور کلی در دوره مورد بحث میزان شهرنشینی استان همدان افزایش پیدا کرده و همزمان تعداد شهرها نیز بیش از دو برابر شده است. از سهم جمعیت استان در کل کشور نیز بطور مستمر به دلیل مهاجرت کاسته شده، ولی رقم مطلق جمعیت استان و جمعیت شهری روبه افزایش نهاده و میزان روستا نشینی بطور مستمر در همه شهرهای استان کاهش پیدا کرده است. این کاهش عمدتاً به دو دلیل مهاجرت های شهری و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت روستائی بوده است.

۲-۴- مهاجرت و تحولات شهرنشینی در همدان

بنا به اذعان همه کارشناسان و محققان وضعیت مهاجرت و به تبع آن تحولات شهرنشینی در استان همدان شرایط ویژه ای دارد. بعنوان مثال در فاصله سالهای ۸۵-۱۳۵۵ همواره همدان استانی مهاجر فرست بوده است. بطوریکه خالص مهاجرت استان در فاصله ۶۵-۱۳۵۵ حدود ۵۰۹۳۳- نفر، در دوره بعدی یعنی ۷۵-۱۳۶۵ خالص مهاجرت استان ۴۲۹۷۴- نفر و در فاصله ۱۳۸۵-۱۳۷۵ خالص مهاجرت استان ۸۷۶۴۵- نفر بوده است. میزان مهاجرت استان در

فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ معادل ۳/۳۸- درصد و فاصله سالهای ۷۵-۱۳۶۵ معادل ۲/۵۶- درصد و نهایتاً در فاصله سالهای ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۵/۱۵- درصد بوده است. روند مهاجرت استان در فاصله سالهای ۷۵-۱۳۶۵ نسبت به سالهای ۶۵-۱۳۵۵ کند شده اما مجدداً در فاصله سالهای ۸۵-۱۳۷۵ روند افزایشی پیدا کرده است. در فاصله این سالها بیشترین میزان مهاجرت مربوط به شهرستان تویسرکان و کمترین میزان مهاجرت مربوط به شهرستان بهار است. از تعداد ۲۳۷۷۱۸ نفر مهاجر تعداد ۳۹۴۱۹ نفر در داخل استان جابجا شده‌اند. موازنه مهاجرتی نشان می‌دهد که تعداد مهاجرین وارد شده به استان همدان از سایر استان‌ها ۱۱۰۶۵۴ نفر و تعداد مهاجرین خارج شده از استان و وارد شده به سایر استان‌ها معادل ۱۹۸۲۹۹ نفر بوده است (گزارش آمایش استان همدان، ۱۳۸۸) بنابراین می‌توان گفت این استان از موازنه منفی مهاجرت برخوردار است. نکته حائز اهمیت این است که مهاجران به دلیل فقدان تخصص لازم در شهرها معمولاً به مشاغل کاذب و یا کارگری و کارهای ساختمانی و... روی می‌آورند. این جابجایی نیروی کار روستایی از بخش کشاورزی به بخش خدمات و توسعه ناموزون شهر از جمله معضلاتی است که اقتصاد استان با آن دست به گریبان است و در شکل کالبدی خود در گسترش حاشیه نشینی نمایان می‌شود.

۵- گذار شهری ایران و همدان

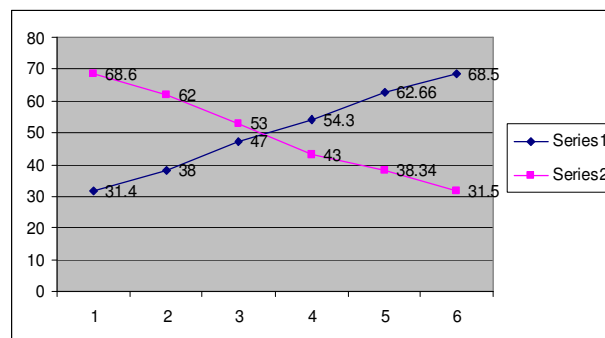
در ایران بطور عام و همدان بطور خاص بخش مهمی از رشد شهری معلول مهاجرت بوده است. بطوریکه در فاصله پنج سرشماری گذشته همواره بیش از یک سوم رشد شهری در ایران مربوط به این پدیده بوده است.

جدول (۳) سهم مهاجرت در رشد شهری ایران

دوره	سهم مهاجرت در رشد شهری
۱۳۳۵-۴۵	۳۵/۱
۱۳۴۵-۵۵	۴۳/۸
۱۳۵۵-۶۵	۵۶/۷
۱۳۶۵-۷۵	۳۷/۲
۱۳۷۵-۸۵	۳۵

سهم مهاجرت در رشد شهری هنگامی نمود بیشتری پیدا می‌کند که تصور شود تا دهه‌های اخیر همیشه سهم جمعیت روستائی بر نسبت شهری آن در ایران برتری داشته است. اما برای اولین بار در سرشماری ۱۳۶۵ نقطه تلاقی تعادل جمعیت شهری-روستائی رخ داده و سپس در سرشماری‌های بعدی به نفع جمعیت شهری تغییر جهت داده است و برای اولین بار -حداقل بر اساس تعاریف رسمی- سهم جمعیت شهری بر دیگر الگوی‌های سکونت پیشی می‌گیرد. مشابه این رخداد در همدان دیرتر از کل کشور و در سرشماری ۱۳۸۵ نمایان شده است. یکی از عوامل این سنگینی سهم شهرنشینی به جمعیت روستائی عامل مهاجرت‌های روستا-شهری هم در کل کشور و هم در همدان بوده است. بنابراین مهاجران روستا شهری در همه حاشیه-های ایران بخش قابل توجهی از ساکنین این محلات را تشکیل می‌دهند و این مهم تا جایی است که برخی صحبت از روستائی شدن چهره شهرهای ایران و دوگانگی فرهنگی در شهرهای مهاجر پذیر می‌کنند.

نمودار (۲) روند تحولات نرخ روستا نشینی و شهر نشینی در ایران



همچنانکه در بالا مطرح شد همدان نیز مسیر فوق را به مانند بسیاری از شهرهای ایران، با کمی تاخیر سپری کرده است. بطوریکه سرعت تحولات جمعیتی استان مانند درون‌کوچی و برون‌کوچی بسیار بیشتر از سایر مناطق بوده است، به همین دلیل بخش قابل توجهی از جمعیت استان در شهر همدان و چند شهر بزرگ دیگر مانند نهاوند و ملایر مستقر شده‌اند. با این حال نسبت شهرنشینی در بسیاری از شهرهای همدان کمتر از میانگین کشوری و استان می‌باشد. همچنانکه داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهد در آخرین سرشماری تنها ۲ شهر از مجموعه شهرهای استان بیش از ۵۰ درصد شهرنشینی را تجربه کرده‌اند.

جدول (۴) تحولات میزان شهرنشینی در شهرهای همدان

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۳۵	
۶۸/۵	۶۱/۳۱	۵۴/۳	۴۶/۹	کل کشور
۵۷/۶	۴۸/۳۱	۳۷/۴	۲۹/۹	استان
۸۱,۲	۷۷,۴	۷۱,۵	۵۸,۹	همدان
۴۸/۹	۳۴/۹	۳۴/۶	۱۷/۲	اسدآباد
۴۰/۹	۳۷/۸	۳۴/۶	۲۰/۴	بهار
۴۴/۹	۳۷/۷	۲۸/۳	۱۹/۶	تویسرکان
۲۲/۱	۱۶/۰	۱۱/۶	۴/۶	رزن
۱۸/۱	۱۴/۴	۱۱/۴	۷/۹	کیبودر آهنگ
۵۴/۵	۵۴/۰	۴۴/۳	۲۴/۵	ملایر
۴۸/۷	۳۶/۷	۳۲/۲	۲۴/۷	نهاوند
-	-	-	-	فامنین ^۱

۶- حاشیه نشینی در همدان

همدان به مانند بسیاری از شهرهای بزرگ ایران طی چند دهه اخیر از رشد شهری چشمگیری برخوردار بوده که یکی از پیامدها و نمودهای بیرونی آن شکل گیری محلات حاشیه است که این مناطق در کل حدود ۳۰ درصد جمعیت شهر را تشکیل می دهند. بر مبنای تعریف حاشیه نشینی یا اسکان غیر رسمی محلات زیر در شهر همدان را می توان بعنوان حاشیه محسوب کرد.

۱ - فامنین در سال ۱۳۸۸ شهرستان شده است.

جدول (۵) برخی از محلات حاشیه همدان و تحولات جمعیتی آنها

۱۳۹۴	۱۳۸۴	محلات حاشیه منتخب
۴۱۶۸۴	۳۱۳۲۰	خضر
۳۸۹۴۳	۲۹۲۶۰	حصار
۱۸۵۵۳	۱۳۹۴۰	چرم سازی
۲۶۲۴۶	۱۹۷۲۰	دیزج
۴۸۷۱	۳۶۶۰	مزدقینه
۱۳۰۲۹۸ (۳۱۰۲۳ خانوار)	۹۷۹۰۰ (۲۱۹۸۰ خانوار)	کل
۲/۹	-	متوسط رشد

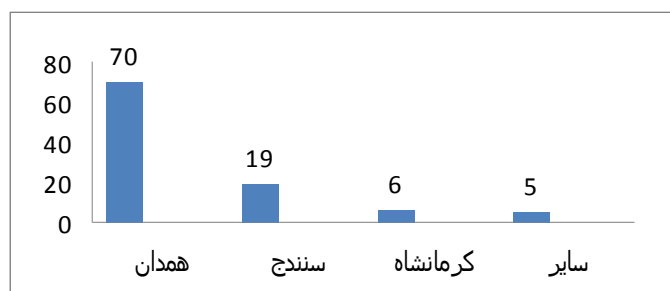
ماخذ: یونسی، ۱۳۸۷: ۶۰

۷- منشأ اجتماعی حاشیه نشینان همدان:

تصور عمومی این است که حاشیه نشینان همگی مهاجران روستایی هستند اما هرچند مهاجران روستایی سهم عمده ای در این زمینه دارند، ولی در واقع سکنه این مناطق ترکیبی از گروه های اجتماعی مختلف هستند. بطور کلی مبدأ مهاجرتی حاشیه نشینان همدان به شرح زیر است: ۱- مهاجرین روستائی از داخل یا خارج از استان که عموماً فاقد وضع مالی مناسب و مهارت قابل توجه هستند و عموماً در مشاغل کارگری و کاذب مشغول فعالیت هستند. بیش از چهار پنجم پاسخگویان (۸۱/۸ درصد) روستایی بوده‌اند که به علت بیکاری، کمی درآمد، نداشتن زمین، کمبود امکانات روستایی و ... مهاجرت کرده‌اند. ۲- خانوارهای آسیب پذیر و یا فرو پاشیده بر اثر فوت سرپرست یا اعتیاد و یا ورشکسته بر اثر سایر عوامل. ۳- جمعیت روستاهای ادغام شده در بافت شهری که به دلیل فقدان سطح زندگی استاندارد شهری و قرار گرفتن در زیر خط فقر از گردونه اصلی خارج و به حاشیه رانده شده‌اند. ۴- ورشکستگان اجتماعی شهری مانند خانواده های فروپاشیده، معتادان و ... بیشتر مهاجرین حاشیه نشین در

همدان همانند الگوی کلی حاکم بر مهاجرت‌ها از شهرهای داخل استان و استان‌های همجوار مهاجرت کرده‌اند. بطوریکه استانهای کردستان (شهرستان قروه) و کرمانشاه بیشترین مهاجرین را بخود اختصاص داده‌اند.

نمودار (۳) مبداء مهاجرتی حاشیه‌نشینان همدان (%)



۸- مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان شهر همدان

۸-۱- مسائل اقتصادی

اقتصاد و اشتغال در بخش غیررسمی از ویژگی‌های مهم مناطق حاشیه‌است. بیشترین تعداد شاغلین مناطق حاشیه‌نشین همدان را کارگران (۳۱/۲ درصد) و پس از آن مشاغل آزاد، رانندگی، مغازه‌داری و... تشکیل می‌دهند. علاوه بر این اقتصاد غیررسمی و حتی زیرزمینی، مشاغل غیررسمی و فاقد مجوز در قالب کارگاه‌های غیر بهداشتی بسیاری در این نقاط یافت می‌شوند که برای دسترسی به کارگر ارزان و فرار از مالیات و هزینه تهیه مکان در محدوده اصلی شهر و احیاناً فعالیت‌های غیرقانونی یا پوششی، به این نقاط روی می‌آورند. با وجود این همه مشکلات اقتصادی که در مناطق حاشیه‌این شهر وجود دارد، ۸۸/۵ درصد حاشیه‌نشینان معتقد بوده‌اند که حاضر به بازگشت به روستا نیستند.

۸-۲- مسائل اجتماعی - فرهنگی

یکی از مسائل و مشکلات در حاشیه‌های همدان کمبود امکانات آموزشی و کیفیت پایین مدارس و نبود یا کمبود فضاهای فرهنگی است که باعث تراکم و افزایش جمعیت در اندک

مکانهای فرهنگی و ورزشی دیگر در این محلات می‌شود. از سوی دیگر وجود خرده فرهنگهای گوناگون در این مناطق به زمینه بروز انواع مسائل اجتماعی کمک می‌کند. این معضل در محله دیزج نمود بیرونی بسیاری دارد. از دیگر مسائل اجتماعی حاشیه‌ها اتحاد و سازمان یافتگی درونی و عدم تعلق بیرونی سکنه است که سبب می‌شود در خصوص مطالبات رفاهی و خدمات شهری بسیار منسجم عمل کنند (این نکته اولین بار در ایران در مطالعات پیران در تهران نیز بدست آمده است) اما در طرح‌های کلان شهری مشارکت اندکی داشته باشند. یکی از ویژگی‌های اصلی و مهم فرهنگ فقر، شرکت نکردن افراد فقیر بطور موثر در کار موسسات عمومی است (لوئیس، ۱۳۵۳). همچنین این نواحی احساس طرد شدگی بوسیله مادر شهر یا مدیریت شهری که اقمار آن محسوب می‌شوند را دارند. از دیگر مسائل این مناطق بالا بودن نرخ وندالیسم و آسیب‌های اجتماعی است. برای نمونه مناطق خضر و دیزج در همدان آمار بالایی در زمینه انواع انحرافات در مقایسه با دیگر محلات دارند.

۳-۸- مسائل کالبدی و زیرساختی

کالبد و بافت مسئله دار از ویژگی‌های بارز و نموده‌های عینی مناطق حاشیه می‌باشد. بعنوان نمونه در کلکته در قالب برنامه توسعه مادرشهر، در حاشیه‌ها اموری چون بهبود فیزیکی شرایط زندگی از طریق ارتقاء زیست محیطی مانند دسترسی به آب آشامیدنی، سیستم فاضلاب، بهبود دسترسی ساکنان به نظام دفع بهداشتی زباله، تسهیلات مورد نیاز محله و گذران اوقات فراغت مد نظر بوده است (خلیفه^۱، ۲۰۱۰). حاشیه‌ها از نظر بافت شهری و نوع معماری و مسکن از سایر نقاط شهری مجزا هستند. واحدهای مسکونی کوچک و تعداد افراد در واحد مسکونی (سرانه مسکن) بالاست. در حاشیه‌های همدان تراکم نفر در واحدهای مسکونی بین ۱ تا ۱۶ نفر با میانگین بعد خانوار ۵/۶۴ و میانه ۵ نفر در هر واحد بوده است. از دیگر خصوصیت این مناطق مساحت اندک واحدهای مسکونی است به طوری که منازل با مترهای زیر ۴۰ متر و در مواقعی حتی زیر ۲۰ و ۱۵ متر بر پا شده است. از سوی دیگر تعداد اتاق‌های در اختیار هر خانوار با نفرات تناسبی ندارد. بر طبق یافته‌ها چهار پنجم خانوارها دارای تنها ۲ اتاق و کمتر بودند. در این مناطق مسکن نوعاً کم دوام یا بی دوام هستند و عموماً فاقد سند مالکیت رسمی و بیشتر به شکل قول نامه‌ای خریداری شده‌اند. همچنین شکل

^۱ - Khalifa

هندسی محلات و معابر از فرم هماهنگ و مناسبی برخوردار نیستند. بنابراین مجموعه شرایط فوق باعث شده که کار بهسازی و بهبود ساختار کالبدی این نواحی با مشکل جدی مواجه شود.

۹- نتیجه گیری

با توجه به مطالعات صورت گرفته در ایران و جهان، حاشیه‌ها دارای یک سری ویژگی‌های مشترکی هستند: حاشیه‌ها مناطق مسکونی هستند که دارای مسکن غیر استاندارد، کمبود یا نبود خدمات شهری، جمعیت متراکم و همچنین فقر بهداشت و امنیت و نابسامانی‌های اجتماعی هستند (هریس^۱، ۲۰۰۹). در طی سالیان اخیر سازمان‌های بین‌المللی متولی مسائل شهری و اسکان بشر توجه ویژه‌ای به مسائل حاشیه و حاشیه‌نشینان داشته‌اند. برنامه و فعالیت‌هایی چون ایجاد پایگاه داده درباره سکونتگاه‌های شهری، برنامه پایش جهانی شهری، کنفرانس اسکان بشر ۲ در استانبول ترکیه، نشست چالش‌های حاشیه‌نشینی در ناپروبی کنیا، تدوین اهداف توسعه هزاره و تأکید بر تأمین سرپناه مناسب برای حاشیه‌نشینان از جمله نمودهای این عطف توجه جهانی است. همزمان در ایران نیز برای اولین بار موضوع حاشیه‌ها بعنوان یک مسئله وارد برنامه‌های توسعه شد و در سیاست‌های کلان برنامه پنجم مشخصاً به ساماندهی این مسئله شهری اشاره شده است. از آنجا که حاشیه‌ها بخش قابل توجهی از جمعیت و حتی اشتغال ساکنان رسمی یا غیررسمی شهرها را در خود جای می‌دهند و در نهایت بخشی از هر شهر خواهند شد (زیرا در بلندمدت مدیریت‌های شهری همه حاشیه‌ها را با همه مسائل آنها به رسمیت می‌شناسند و به تجربه نیز چنین شده است) باید برنامه‌های مربوط به نوسازی و ارتقاء کالبدی با درگیری عملی مردم و بدور از روش‌های توأم با اجبار و زور برای تخریب یا بهسازی، همراه باشد؛ زیرا گاهی برنامه‌های نوسازی محلات با نقض حقوق اساسی شهروندان همراه بوده است (مویترا^۲، ۱۹۹۱). بر اساس یافته‌های این بررسی اکثر حاشیه‌نشینان شهر همدان مهاجرین روستائی هستند که بیشتر از روستاها و شهرهای کوچک داخل استان همدان و سپس در مرتبه بعدی از روستاها و شهرهای استان‌های همجوار کوچ کرده‌اند. شاخص‌های اقتصادی خانوارهای ساکن در حاشیه‌ها بسیار ناپایدار و متزلزل

^۱ - Harris

^۲ - Moitra

است و بی ثباتی شغلی آسایش خاطر این مردمان را سلب می کند. تکثر اجتماعی و فرهنگی به دلیل تازه وارد و مهاجر بودن سکنه زیاد است و همین امر گمنامی و شوک مهاجرتی را افزون تر می نماید. در یک جمع بندی سیاست های نظام مدیریت شهری کشور در برخورد با این پدیده را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد: الف- در شهرهای بزرگ و کلان شهرها حاشیه نشینی بعنوان بحران شهری تلقی می شود و تاکتیک ممانعت و سیاست درهای بسته توصیه می شود ب- در شهرهای متوسط حاشیه نشینی بعنوان مسئله اجتماعی دیده می شود و نهایتاً ج- در شهرهای کوچک سیاست چشم پوشی و عدم تلقی جدی از مسئله رایج است (نقدی، ۱۳۸۴). اما به رسمیت شناختن گام اول، سیاست ساماندهی و ارتقاء کالبدی، اجتماعی و اقتصادی این محلات خواهد بود. همانطور که یافته مطالعات موردی مورد اشاره این مقاله نشان داد حاشیه های همدان همچون بسیاری دیگر مملو از مسائل اجتماعی هستند و در کنار تلاش های ساماندهی کالبدی بایستی بر شناخت مشکلات هر منطقه تمرکز ویژه داشت. مسائل اجتماعی نظیر وندالیسم، سرقت، فحشاء، جرائم در محلات عمده حاشیه شهر همانند دیزج، خضر، حصار محسوس است. همچنانکه در مدل نظری تحقیق اشاره شد حاشیه نشینی پدیده ای است واسط و اگرچه خود معلول عوامل چندی است ولی پس از شکل گیری بر بروز آسیب ها و بحران های اجتماعی تأثیرگذار است.

پیشنهادها

سیاست های رسمی کلاسیک دولت ها در برخورد با پیدایش و گسترش حاشیه نشینی، تلقی این شکل سکونتی بعنوان نوعی بیماری در ارگانیزم های شهری بوده است: سیاست رسمی دولت درباره سکونتگاه های غیر استاندارد در سئول معمولاً بر این فرض استوار بوده که این رشد سرطانی شهر بوده است و بنابراین راه حل پیشنهادی هم نوعی جراحی بوده است (ها، ۲۰۰۱). از آنجا که مهاجرت یکی از دلایل اصلی گسترش حاشیه های همدان است و حداقل در کوتاه مدت کاهش محسوس نخواهد داشت؛ پس باید مدیریت شهری به ساماندهی تازه واردان پردازد. بویژه اگر دقت کنیم که مهاجرت فی نفسه واجد نکوهش نیست و روند طبیعی در طول تاریخ بشر بوده است. آنچه اهمیت دارد ترکیب مهاجران و نرخ مهاجرت و سرنوشت مهاجران در مقصد و پیامدهای آن در مبدا است. از آنجا که استان همدان یک استان

مهاجر فرست به تهران و مهاجرپذیر از نقاط روستائی و شهرهای کوچک است باید همچنان منتظر موج های مهاجرتی و به تبع آن حاشیه نشینی بود.

اگرچه حاشیه نشینان همدان وضعیت بمراتب بهتر از جعفرآباد کرمانشاه، شلنگ آباد و ملاشیه اهواز، بابائیان و شیرآباد زاهدان و زورآباد کرج دارد اما نباید ساماندهی آنها به فردا موکول شود. شورا و شهرداری باید استراتژی پیشگیری از رشد حاشیه ها همزمان با درمان حاشیه های موجود باید در سرلوحه برنامه های خود قرار دهند. بنابراین اغلب نهادها و سازمانهای اجرایی و دولتی در قبال آن مسئولیت دارند. بنابراین بدون یک عزم همه جانبه مدیریت، کنترل و ساماندهی حاشیه ها راه به جایی نمی برد. حاشیه نشینی را از همان آغاز پیدایش و تولد بایستی جدی گرفت و آنرا در یکی از محدوده های قانونی یا خدماتی شهر تعریف کرد یا تعریف جداگانه ای آورد و آنرا مدیریت کرد. زیرا رشد اولیه و بی حساب و کتاب، هزینه های ساماندهی بعدی را افزایش می دهد. برای مثال اگر ساخت و سازها از ابتدا با نظارت و مساعدت صورت گیرد، هزینه های بعدی بهسازی و ساماندهی کاهش می یابد. در صورت بی توجهی مدیریت شهری باید در انتظار راه حل های مردمی که الزاما همیشه مبتنی بر شهرسازی اصولی هم نیست، باشیم: مدیر عامل شرکت توزیع برق استان همدان گفت: منع واگذاری انشعاب به ساختمان های بدون پروانه در حاشیه شهرهای استان عامل اصلی افزایش استفاده از برق غیر مجاز است^۱.

بهسازی کالبدی و فیزیکی در رونق اقتصادی، بهداشت و دل بستگی اهالی به محیط و محله و حتی کاهش خشونت و وندالیزم در این مناطق تاثیرگذار است. عدم مشارکت و روحیه تخریب (وندالیسم) در مناطق حاشیه همدان به دلیل عدم احساس تعلق از یک طرف، و لمس کردن فاصله بین مناطق حاشیه و اصلی شهر از طرف دیگر، بالاست. به تعبیری گفته می شود اگرچه خانه افراد حاشیه در شهر است، ولی آنان شهر یا محله خود را متعلق به خود نمی دانند، فعالیت های ترغیب و تشویق در این مناطق از طریق مشارکت نهادهای مدنی مانند NGO و CBO ها بایستی تعمیق شود.

آنچه در حال حاضر در مورد حاشیه نشینی در ایران اتفاق می افتد این است که شهرداریها و مدیریت شهری با استدلال خارج از محدوده قانونی و خدماتی این محلات، به

^۱ - روزنامه ایران شماره ۴۱۱۳ پنج شنبه ۱۲ دی ۱۳۸۷ ص ۲ ویژه استان همدان

این مناطق بی توجهی کرده و همین امر سبب رشد "قارچ گونه" این مناطق، جذب جمعیت بیشتر، ساخت و سازهای غیرمجاز و بدون نظارت و تحمیل خود بعنوان بخشی از شهر می‌شود. در نهایت هم مدیریت شهری آنها با هزاران مسأله و مشکل بعنوان بخشی از شهر می‌پذیرد. اما بهتر است که از همان ابتدا در قالب هر تعریفی که باشد، شهرداریها و شوراهای شهری این مناطق را مدیریت و هدایت کنند و در واقع علاج واقعه را قبل از وقوع و گسترش سرطانی و رشد بادکنکی را مد نظر داشته باشند.

منابع و ماخذ:

۱. جلیلی، زهرا (۱۳۸۹) "بررسی علل اجتماعی ارتکاب جرایم منافی عفت توسط زنان در مناطق حاشیه شهر همدان"، به راهنمایی اسداله نقدی، دانشگاه پیام نور تهران.
۲. جلیلی، فاطمه (۱۳۸۹)، "مطالعه مقایسه‌ای جرائم جوانان در مناطق حاشیه و غیر حاشیه شهر همدان"، به راهنمایی اسداله نقدی، دانشگاه پیام نور تهران
۳. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹) حاشیه نشینی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۴. زاهد زاهدانی، سید سعید و زهره آذرگون (۱۳۸۷) "بررسی تطبیقی تفاوت فرهنگ حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین و عوامل موثر بر آن؛ مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال مناطق یک و پنج شهر شیراز"، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال سوم، شماره ۵، صص ۵-۲۶.
۵. زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۹) "مهاجرت در ایران با تاکید بر همدان"، هم اندیشی مسایل و چالش های جمعیتی ایران با تاکید بر مهاجرت در استان همدان.
۶. سبزیان، سعید (۱۳۷۲) "بررسی مهاجرت های روستایی در استان همدان"، مرکز مطالعات فرهنگی استان همدان.
۷. صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۶) "حاشیه نشینی و امنیت"، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، وزارت کشور.
۸. طرح توانمندسازی اسکان غیر رسمی در شهر سنندج (مرحله ی دوم، تشخیص و تحلیل وضعیت) مهندسان مشاور بوم نگار پارس.
۹. علیزاده محمد و کاظم کازرونی (۱۳۶۳) "مهاجرت و شهرنشینی در ایران"، سازمان برنامه و بودجه، دفتر جمعیت و نیروی انسانی معاونت امور اقتصادی.

۱۰. فروغی، نسترن و دیگران (۱۳۸۸) "کاربرد روش های داده کاوی در تجزیه و تحلیل داده های جمعیت(مطالعه موردی رابطه مهاجرت با تحصیلات و اشتغال در ایران"، مجموعه مقالات مهاجرت در ایران، انجمن جمعیت شناسی ایران و مرکز آمار ایران.
۱۱. -گزارش اجمالی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرستان همدان (۱۳۸۳) سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۱۲. گزارش آمایش استان همدان (۱۳۸۸) مطالعات وضعیت موجود جمعیت، سازمان مدیریت و برنامه ریزی همدان.
۱۳. لوئیس، اسکار (۱۳۵۳) "فرهنگ فقر"، ترجمه مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴.
۱۴. معیدفر، سعید (۱۳۷۷) "مهاجرت های روستایی و ملاحظاتی در برنامه ریزی فرهنگی استان همدان"، فصلنامه فرهنگ همدان، سال چهارم، شماره ۱۵ و ۱۶.
۱۵. نقدی، اسداله (۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه شناسی شهری، همدان: انتشارات فن آوران.
۱۶. نقدی، اسداله و رسول صادقی (۱۳۸۴) "بررسی وضعیت حاشیه نشینی و مسائل آن در شهر همدان"، استانداری همدان.
۱۷. نقدی، اسداله (۱۳۸۴) گزارش ارزیابی اجتماعی پروژه توسعه محلی، بانک جهانی و وزارت کشور
۱۸. نقدی، اسداله (۱۳۸۶) حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی(جهان چهارم) ، همدان: انتشارات فن آوران.
۱۹. وزارت مسکن و شهر سازی، (۱۳۸۱) "سند ملی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی".
۲۰. یونسی، منوچهر (۱۳۸۷) "بررسی وضعیت حاشیه نشینی منطقه خضر"، شهرداری همدان.
21. Harris, Richard (2009) Slums. *International Encyclopedia of Human Geography* Pages, Pp:157-162.
22. Khalifa, Marwa A. (2010) Redefining slums in Egypt: Unplanned versus unsafe areas; *Building and Environment*, Vol. 26, No. 3, Pp. 253-257.
23. Farhat Jahan Chowdhury, A.T.M. Nurul Amin (2006) Environmental assessment in slum improvement programs: Some evidence from a study on infrastructure projects in two Dhaka slums, *Environmental Impact Assessment Review* 26; Pp:530- 552.
24. Martinez, Javier and et al (2008) Trends in urban slum indicators across developing countries, 1990-2003, *Habitat international*, No32, Pp: 86-108.
25. Moitra, M. K. (1991) *Environmental Improvement of Slums: The Calcutta Experience*, *Building and Environment*, Printed in Great Britain; Vol. 26, No. 3, Pp: 253-257.

-
26. Seong-Kyu, Ha (2001) substandard settlements and joint redevelopment projects in Seoul, Habitat International: Vol. 25, No. 4, Pp:385-397
 27. UN, HABITAT (2003) THE Challenges of SLUMS, First published in the UK and USA in 2003 by Earthscan Publications Ltd.